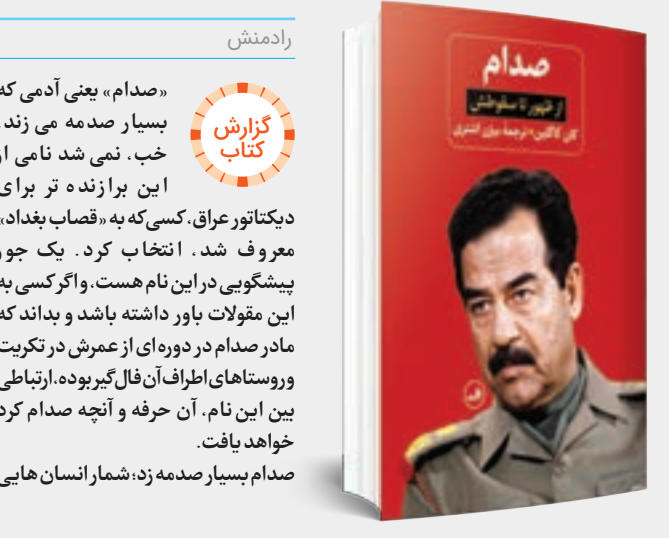


کنون بنگر به خوزستان که **بینی جوشن** و **چندش به خون آلوده** کارونش، به بهمنشیر و ار وندش **بر او تازان یکی تازی**، به **خون ریزی و لجبازی** **ددی مزدور** غرب و شرق، با صد مکر و ترغندش **ز خون ریزی خوش** و **خندان**، مسلح **تاین دندان** عراق از او چنان زندان، گرفته **عالمی گندش**

بررسی زمینه های ظهور قصاب بغداد با نگاهی به کتاب «صدام، از ظهور تا سقوطش»

تاکتیک های یک دیکتاتور



رادمشن

«صدام» یعنی آدمی که بسیار صدمه می زند. خب. نمی شد نامی از این برا زنده تر برای

دیکتاتور عراق. کسی که به «قصاب بغداد» معروف شد. انتخاب کرد. یک جور پیشگویی در این نام هست. و اگر کسی به این مقولات باور داشته باشد و بداند که مادر صدام در دوره‌ای از عمرش در تکریت و روستاهای اطراف آن فال گیر بوده. ارتباطی بین این نام، آن حرفه و آنچه صدام کرد خواهد یافت.

صدام بسیار صدمه زد؛ شمار انسان هایی

درختی فاسد و شوم است و بارش بدتر از ز قَوم به همت هم توان هم باید از اعماق برگندش

[...]

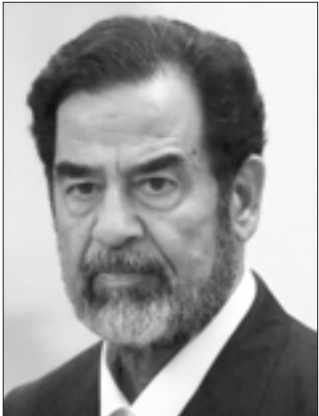
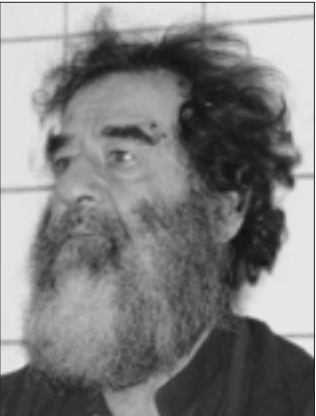
به جنگ آریم با جنگ و به دست داد بسیاریم و خواهد دید او از داغ فر جام خوشایندش!
شهود دادگاه ما؛ شهیدان و یتیمان نشان

دگر آواره جنگی و جانبا ز و همانندش
ددک صدام بی دین را، نه دد، بل عتَرَک صدام
به روی دار رقاصیم با زنجیر یک چندش
[...]

مهدی اخوان ثالث، ۱۳۶۰

واقعی وجود نداشت، رقابت سیاسی یک شوخی مضحک بود. و سیاست مدارانی پرورش پیدانکردند که اقبال عمومی داشته باشند تا بتوانند پس از او اتحاد و ثبات را در آن کشور برقرار کنند. این شاید شوم ترین میراث صدام بود. و هنوز هم هست. اما صدماتی که دیکتاتور عراق موجب آن ها شد به مرزهای کشور خودش محدود نماند، او همچنین آتش چندین جنگ را برافروخت که دامن همسایه های عراق را هم گرفت. مهم ترین این جنگ ها تهاجم به خاک ایران است که طولانی ترین جنگ کلاسیک دنیا در سده بیستم میلادی است و خسارت های مادی و معنوی بسیار زیادی را متوجه دو کشور کرد.

برای شناخت دقیق تر صدام آثار مختلفی هست که یکی از آن ها «صدام، از ظهور تا سقوطش»، نوشته کان کاکلین، است که بین اشتري آن را به فارسی برگردانده و نشر «ثالث» منتشرش کرده است. این اثر، همان طوره که از نامش برمی آید، زندگی صدام را از دوران کودکی تا هنگام به دار آویختنش روایت می کند. از وقتی یتیم شد و کودکی اش با فقر، خشونت و گاه تحقیر گذشت، تا وقتی برای بالا رفتن در پله های پیشرفت وارد حزب بعث شد. در کودتایی که به قدرت گرفتن احمد حسن البکر منجر شد شرکت کرد. معاون رئیس جمهور شد. و در نهایت ۲۴ سال با دیکتاتوری دورانی تاریک ساخت. تا مرد.



● کودکی سخت
دوران عاقبت ساز کودکی صدام حسین از جالب ترین بخش های زندگی اوست. صدام کودکی سختی داشت، در همان سال های آغازین عمر-دقیق مشخص نیست که در چند سالگی- یتیم شده بود. او، درواقع، نه زیر یک سقف و سر یک سفره، که ویلان بزرگ شده و در خانه اقوامش آواره بود. به باور نویسنده کتاب، «شومساری ناشی از ریشه های فقرات و فلاکتش» از همین دوران آغاز شد. که «در آینده نیروی محرکه ای برای تحقق جاه طلبی هایش می شد.»

یکی از توانایی های مهمی که به بقای دیکتاتور کمک می کند، نه شجاعت اعتماد کردن، که توانایی و ظرفیت او در بی اعتمادی است، که آبشخورش ترسی عمیق و کهنه است. صدام برای کسب این توانایی زجرآور یک عمر تمرین کرده بود. ناتوانی او در اعتماد به دیگران نیز از همان دوران کودکی شروع شد؛ «حس عمیق ناامنی برآمده از خانه به دوشی های دوره کودکی اش باعث شد تا به طرز بیمارگونی در بزرگ سالی نتواند به هیچ کس اعتماد کند. دایره این بی اعتمادی حتی اعضای خانواده خودش را نیز شامل می شد.» صدام به لطف اقوام و، به خصوص دایی اش، خیرا... طلافاح، زنده ماندن دهه. بنابراین، مدتی پس از به قدرت رسیدن، نزدیک ترین افراد به او، نه لایق ترین ها، که هم قبیله ها و نفرات تیره و طایفه اش بودند.

اگر شم یک جانور وحشی در یوکشیدن خطر راه به صدام نسبت بد هیم، از او تعریف کرده و موهبتی از نظر تکاملی ارزشمند را به او نسبت داده ایم که درواقع نداشت؛ کاری که او می کرد بسیار ساده و البته مؤثر بود، او این شعار دیکتاتورهای موفق را سرلوحه قرار داد: «یکش یا کشته شو!» هرکس اطراف صدام بود که کوچک ترین ظنی می رفت که ممکن است رقیبش باشد باید شدیداً کنترل یا حذف می شد. این تاکتیک کهن و آزمون پس داده دیکتاتورهاست؛ مانو، کاسترو، استالین و دیگرانی از این دست، در زمان بسیار کوتاهی پس از به قدرت رسیدن، یاران قدیمی و انقلابی شان را حذف کردند. مردمان روستایی «الغوجه»، که صدام در آن متولد شده بود، در زمان تولد او، «در فقر مطلق و اوج نکبت» به سر می بردند. این روستا همچنین معروف بود به مأمَن و پناهگاه راهزنان، و تعدادی از اهالی روستا هم از این طریق امرار معاش می کردند. زندگی خشن بود و سخت، و بقا مستلزم ترکیبی از هوش، جرئت، سخت دلی و کوشایی. نویسنده گزارش می دهد که «علاوه بر اهزنی و قاچاق- دزدی هم از حرفه های رایج بود و اهالی گاه «بدون

هیچ عذاب وجدانی مرغ و خروس ها یا محصولات کشاورزی» همسایگانشان را می دزدیدند. یکی از تاکتیک های صدام پس از به قدرت رسیدن حذف یا خشونت و ایجاد ترس بسیار در دل دوست و آشنا و رقبا و مخالفان بود. تاکتیک دیگرش این بود که وفاداری هران کسی را که می تواند بخرد، خرید وفاداری هم گران تمام می شود، پولش از کجا می آمد؟ او راه دزدی را خوب یاد گرفته بود؛ در کودکی مرغ همسایه را می دزدید و در دوران حکومتش منابع کشور را غارت می کرد، آن هم بسیار روشمند و در ظاهر قانونی، اما در باطن با شیوه ای معروف به «دزدسالاری». دزدسالاری، به زبان ساده، یعنی بالا کشیدن منابع باارزش کشور، از جمله ذخایر نفت و معادن، و همچنین گرفتن عوارض گمرکی و مالیات های سنگین از مردم. منابع، پس از آنکه «ملی» اعلام شدند، اختیار درآمدشان به دست دولت می افتد و دولت هم در نظام های دیکتاتوری در یک نفر خلاصه می شود، و در عراق آن ظاهر صدام حسین بود.

این تنها خرج سنگین صدام نبود؛ او، برای اینکه بتواند سلطه و کنترل تام و تمامی بر، نه فقط رقبا و سرآمدان، که تمام مردم کشورش داشته باشد و هر

مخالفت احتمالی را در نطفه خفه کند،

نیاز داشت که همه جا حاضر باشد. این هم تاکتیکی دارد که باز بین دیکتاتورها مشترک است: بهترین رفیق آن ها پلیس مخفی و دستگاه امنیتی مخوف و سنگدل است. صدام، علاوه بر این، شبکه ای گسترده از خبرچینان لازم داشت تا چشم و گوشش همه جا حاضر داشته باشد. کارکرد دیگر این نیروها این بود که داستان های بی رحمی ها یا شفقت های پدران ه او را نشر دهند. بله، صدام هم دوست داشت محبوب باشد. کسب محبوبیت در کشوری فقیر نگاه داشته شده و بین مردمی دست به دهان چندان گران تمام نمی شود؛ صدام فقط باید زحمت بازی کردن نقش اول نمایش را می کشید؛ در شمایل ناجی و قهرمانی مردمی و دل سوز شخصا به خانه مردم سر می زد، در یخچالشان را باز می کرد و، پس از ا نمود کردن به همدلی، کیسه ای خوراکی یا مشتی لوازم کم ارزش به صاحب خانه می داد. پس از آن، هم خود صاحب خانه که تحت تأثیر انوار مهربانی صدام قرار گرفته بود و هم رسانه ها و هم شبکه خبرچینان دست به کار نشر روایت های اعمال انسانی و پدران ه صدام می شدند.

روایت هایی از این دست گاه چنان



پیروی از دایی اش که الگوبش بود، و نجات از آن وضع فلاکت بار. او، پس از پایان تحصیلات راهنمایی در تکریت، به همراه دایی و پسر دایی اش به بغداد نقل مکان کرد. ورود به این شهر برجنب و جوش آن احساسات پرشور ملی گرایانه در هوای آن موج می زد یکی از نقاط عطف زندگی صدام بود. ورود به حزب بعث هم که او بعدها یکی از شخصیت های برجسته آن شد. نقطه تعیین کننده دیگری در زندگی اش بود. صدام در کودتایی که منجر به برکناری عبدالرحمن عارف، رئیس جمهور وقت عراق، و به قدرت رسیدن احمد حسن البکر بود نقشی مهم داشت. حسن البکر، که از دوستان نزدیک دایی بود... هم بود، صدام را به سمت معاون رئیس جمهور رساند. صدام، ۱۰ سال بعد، وقتی دوستان و متحدانی پیدا کرده بود و جای پایش محکم شده بود، یک روز سراغ حسن البکر رفت و گفت: «داری پیر می شوی، شنیده ام که وضع جسمی ات هم تعریفی ندارد. وقت بازنشستگی است.» بعد دو گزینه پیش پای حامی قدیمی اش گذاشت: «می توانی بین

درباره کتاب «علیه مرزخفات: هنر شکاک بودن در دنیای داده محور»

کشف ورد مرزخفات وقتی غرق آئیم

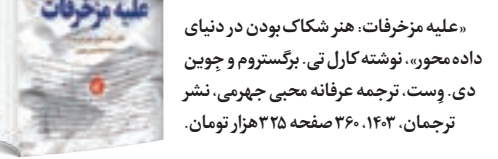
خادم» هنر شکاک بودن در دنیای داده محور»، اثر کارل برگستروم و جوین وست، برای خواننده جدی، مقدمه ای متفکرانه بر تفکر انتقادی ارائه می کند. (عنوان تحریک آمیز کتاب، به وضوح، برای جذب خوانندگان است.) این کتاب رویکردی بدیع ارائه می کند که فراتر از نگاه به مرزخفات، و در واقع درگاهی است برای تفکر انتقادی گسترده تر. این اثر برای هر کسی که می خواهد اخبار، ادعای یک دوست یا یک تحلیل علمی را ارزیابی کند مفید خواهد بود.

«علیه مرزخفات» با توصیف انواع مختلف مرزخفات آغاز می شود، مفهومی به قدمت افلاطون، که گلایه می کرد از فیلسوفانی که برایشان برنده شدن در استدلال ها بیشتر از حقیقت اهمیت داشت. نویسندگان که هر دو استاد دانشگاه واشنگتن هستند- موضوع را به دو بخش تقسیم می کنند: کشف مرزخفات، و رد مرزخفات. بخش اعظم کتاب به شیوه تشخیص مرزخفات اختصاص دارد و فصل آخر به چگونگی رد مرزخفات می پردازد.

خوانندگان ممکن است در دنیای داده محور ما از تفکر انتقادی اجتناب کنند، زیرا به مهارت های ریاضی، آمار یا علوم کامپیوتر خود اعتماد ندارند. نویسندگان به این خوانندگان اطمینان می دهند که لزوما این طور نیست که برای کشف و رد مرزخفات به چنین دانش هایی نیاز باشد. برای انجام دادن این کار، آن ها فرایند تجزیه و تحلیل انتقادی را به سه بخش تقسیم می کنند: ۱- ورودی و تجزیه و تحلیل ۲- تجزیه و تحلیل ۳- نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل.

نویسندگان رویکرد خود را با بررسی یک مطالعه تحقیقاتی، که در سال ۲۰۱۶ انجام شده، نشان می دهند. این مطالعه ادعا می کرد که می تواند مجرمان را با دقت ۹۰ درصد از روی قیافه شناسایی کند. نویسندگان، با نگاه کردن به ورودی ها و خروجی های منبع که مغرضانه حالات چهره را با ویژگی های چهره اشتباه می گیرند، این ادعا را، بدون ارزیابی تحلیل داخلی داده ها، بی اعتبار می کنند. «علیه مرزخفات»، به جز پیش گفتار، یازده فصل دارد که عناوین آن ها عبارت است از: ۱- مرزخفات همه جا هست ۲- رسانه، پیام و اطلاعات نادرست ۳- ماهیت مرزخفات ۴- علیت ۵- اعداد و چرندیات ۶- سوگیری های انتخاب ۷- مصورسازی داده ها ۸- افشای مرزخفات در کلان داده ها ۹- آسیب پذیری علم ۱۰- شناسایی مرزخفات ۱۱- رد مرزخفات.

در پشت جلد ترجمه فارسی کتاب آمده است: «سیل مرزخفات جهان را فرا گرفته و ما در حال غرق شدن در آن هستیم؛ سیاست مداران در قیدوبند حقایق نیستند؛ جهت گیری علم را مطالب چاپ شده در مطبوعات تعیین می کنند؛ استارتاپ ها به مرزخفاث لباس هنر فاخر می پوشانند، و دانشگاه ها، به جای پاسداشت تفکر تحلیلی و انتقادی، مرزخفات را ارج می نهند. مرزخفات سنتی ادعاهایی گراف با ظاهری فریبنده بودند و می شد آن ها را به سادگی تشخیص داد، اما ویژگی مرزخفات نوین چیست و چگونه می توانیم آن ها را تشخیص دهیم؟ کارل برگستروم و جوین وست مرزخفات نوین را ادعاهایی می دانند که با زبان علمی و با استفاده از آمار و ارقام ظاهرا دقیق ارائه می شوند. اما در واقع ادعاهایی بی محتوا و تناقض آلودند. ما در برابر این ادعاها مرعوب می شویم و سیر می اندازیم و احساس می کنیم آن قدر متخصص نیستیم که بتوانیم درباره صحت و سقم آن ها بیندیشیم و تحقیق کنیم. نویسندگان این کتاب معتقدند که لزومی ندارد متخصص زیست شناسی، اقتصاد یا آمار و داده کاوی باشیم تا بتوانیم از خطاهای این مرزخفات سردر بیاوریم. آن ها، در این کتاب، با مثال های متعددی از علوم پایه و پزشکی، شیوه های متنوع سوء استفاده از زبان علم را آشکار می کنند و، با آموزش مبانی استدلال ورزی درست و نحوه جست و جوی اطلاعات برای ارزیابی ادعاهای علمی، راهنمایی جامع برای تشخیص علم از شبه علم را فراهم می آورند.»



برای نوشتن این مطلب، از بررسی سایت Smart Cvile استفاده شده است.

معرفی منتخبان نهایی «جایزه داستان حماسی»

رضا میزاده | دبیر اجرایی چهارمین جایزه ملی داستان حماسی، اسامی منتخبان نهایی این جایزه را برای حضور در مراسم اختتامیه آن اعلام کرد.

وی افزود: «اسامی برگزیدگان مرحله نخست داوری، شامل ۳۶ اثر در بخش رمان و ۵۰ اثر در بخش داستان کوتاه، خردادماه امسال اعلام شد، و، پس از آن، میثت داوران آثار منتخب را برای داوری پایانی مورد ارزیابی قرار داد.»

عباس زاده خاطرنشان کرد: «در پایان ارزیابی هیئت داوران، درنهایت، از نویسندگان ۱۲۰ اثر، شامل ۱۰ رمان و ۱۰ داستان کوتاه، دعوت به عمل می آید که برای شرکت در مراسم اختتامیه، که ۱۵ مهرماه در آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی برگزار می شود، حضور پیدا کنند.»

بنابراگفته دبیر اجرایی چهارمین جایزه ملی داستان حماسی، اسامی منتخبان نهایی به شرح زیر است:

● رمان

«ایوک سیمرخ سوار تپوری» (ابراهیم نجف زاده، مازندران)، «بازمانده» (امیرحسین روح نیا، خراسان رضوی)، «پسر دریا» (احمد حیدری، بوشهر)، «پراخوت» (راضیه بهرامی راد، سمنان)، «جینگیلی» (محمد رضا آریان فرد، اصفهان)، «دختران حماسه» (خدیجه بیدیگی، خراسان شمالی)، «رکن ۲» (محمد محمودی نورآباد، فارس)، «عنبتکان» (مهرداد صدقی، گلستان)، «مرد، نامرد، ترسو» (امیرحسین دارابی، تهران)، «من حرهستم» (وحید آقا کرمی، آذربایجان شرقی).

● داستان کوتاه

«آب سباه» (هدا حشمتیان، کرمانشاه)، «آبی خونی» (زهرایوسفان، قم)، «برگردریاب» (سیده خدیجه حسینی، خراسان رضوی)، «پل» (قدسی خان بابایی، قم)، «آمون» (عزیزا... محمدپور، مازندران)، «درفش دار» (سمیه شهبازی، اصفهان)، «دلبر» (مینا سعادت پور، قم)، «شراب ظهور» (فریبا مرادی، اصفهان)، «علی قره یاجتاری» (محمد رضا روزندی، قم)، «میان داران» (آناهیتا بزرزویی، کرمانشاه).
گفتنی است که بنابر آن بود که مراسم اختتامیه چهارمین جایزه ملی داستان حماسی، هم زمان با سالروز آزاد سازی خرمشهر، در سوم خردادماه برگزار شود که -با توجه به سانحه پرواز اردیبهشت- این امر میسر نشد و، درنهایت، مسئولان اجرایی این جایزه تصمیم گرفتند که این مراسم ۱۵ مهرماه برگزار شود.